



انجمن علمی فقه برای تطبیق ایران



فصلنامه فقه برای تطبیق

Volume 6, Issue 1, 2026

Examining the Role and Position of Mass Media in Achieving Security-Oriented Criminal Policy

Mohammad Reza Rahmani¹, Sadegh Moradi^{2*}, Masoud Alborzi Varaki³, Davod Karami⁴

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Ka.C., Islamic Azad University, Karaj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Law, Ka.C., Islamic Azad University, Karaj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 79-94

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: +989123307523

Email: sadeghmoradi.law@gmail.com

Article history:

Received: 11 May 2025

Revised: 28 May 2025

Accepted: 09 Jul 2025

Published online: 21 Mar 2026

Keywords:

Mass Media, Security-Oriented Criminal Policy, Crimes Against Security, Increased Punishment, Citizen Rights.

ABSTRACT

Nowadays, most governments have a security-oriented approach dealing with some important crimes, especially crimes against national security and organized crimes. This approach is mainly manifested in the form of legislative and judicial criminal policy, and governments may use various tools to implement such policies. One of the tools that governments have always used to justify or implement security-oriented criminal policies is the mass media. In some cases, the mass media are effective in supporting government policies and in some cases, regardless of them, in realizing security-oriented criminal policy. Given the importance of the role of the media in this context, this article, using a descriptive-analytical method and based on library studies, has examined the role and position of the mass media in realizing security-oriented legislative and judicial criminal policy in two independent sections. This article findings show the mass media can be influential in each of the stages of drafting and approving laws with a security-oriented approach, and thus support the legislative criminal policy. In addition, in some cases, by mediating important crimes and reflecting the public's views on these crimes, the mass media can be influential in the three stages of preliminary investigation, hearing and issuing a verdict and execution of punishment, and play a role in supporting the security-oriented criminal judicial policy. All of these cases have direct or indirect effects on the rights of individuals.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Rahmani, MR; Moradi, S; Alborzi Varaki, M & Karami, D (2026). "Examining the Role and Position of Mass Media in Achieving Security-Oriented Criminal Policy". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 6(1): 79-94.



دوره ششم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

بررسی نقش و جایگاه رسانه‌های جمعی در راستای تحقق سیاست جنایی امنیت‌مدار

محمدرضا رحمانی^۱، صادق مرادی^{۲*}، مسعود البرزی ورکی^۳، داود کرمی^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

۴. استادیار، گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

امروزه بیشتر دولت‌ها در راستای برخورد با برخی جرائم مهم به‌ویژه جرائم علیه امنیت ملی و جرائم سازمان‌یافته، رویکرد امنیت‌مدارانه دارند. این رویکرد عمدتاً در قالب سیاست جنایی تقنینی و قضایی نمود می‌یابد و دولت‌ها برای اجرای چنین سیاست‌هایی ممکن است از ابزارهای مختلفی استفاده نمایند. یکی از ابزارهایی که دولت‌ها در راستای توجیه یا اجرای سیاست‌های جنایی امنیت‌مدار همواره از آن بهره گرفته‌اند، رسانه‌های جمعی هستند. رسانه‌های جمعی در برخی موارد در راستای حمایت از سیاست‌های دولت و در برخی موارد صرف‌نظر از آن در تحقق سیاست جنایی امنیت‌مدار مؤثرند. با توجه به اهمیت نقش رسانه‌ها در این زمینه، مقاله کنونی با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای در دو بخش مستقل به بررسی نقش و جایگاه رسانه‌های جمعی در راستای تحقق سیاست جنایی تقنینی و قضایی امنیت‌مدار پرداخته است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد رسانه‌های جمعی می‌توانند در هر یک از مراحل تدوین و تصویب قوانین با رویکرد امنیت محور، تأثیرگذار باشند و بدین طریق از سیاست جنایی تقنینی حمایت کنند. علاوه بر این، رسانه‌های جمعی در برخی موارد با رسانه‌ای نمودن جرائم مهم و انعکاس دیدگاه‌های عموم در مورد این جرائم، در مراحل سه‌گانه تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و صدور حکم و اجرای مجازات، تأثیرگذار بوده و در حمایت از سیاست جنایی قضایی امنیت‌مدار ایفای نقش نمایند. همه این موارد، دارای آثار مستقیم یا غیرمستقیم بر حقوق شهروندی افراد است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۹-۹۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:-.....-.....-.....

تلفن: +۹۸۹۱۲۳۳۰۷۵۲۳

ایمیل: sadeghmoradi.law@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

رسانه‌های جمعی، سیاست جنایی امنیت مدار، جرائم علیه امنیت، تشدید مجازات، حقوق شهروندی.



مقدمه

در عصر کنونی، تأثیر رسانه‌ها بر عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر همگان، آشکار است. رسانه‌های گروهی یا جمعی مانند رادیو، تلویزیون و مطبوعات به‌عنوان مهم‌ترین مصداق رسانه‌ها که در همه کشورها وجود دارند، مجموعه‌ای از وسایل ارتباطی محسوب می‌شوند که توانایی تأثیرگذاری بر افکار و دیدگاه‌های جمع زیادی از افراد یا گروه‌های اجتماعی را داشته و برخلاف رسانه‌های اجتماعی مانند توئیتر و تلگرام عموماً ارتباطی یک‌سویه را دنبال می‌کنند. با توجه به این موضوع امروزه بسیاری از دولت‌ها از ظرفیت رسانه‌های جمعی برای نشان دادن برنامه‌ها، اقدامات و تصمیمات خود استفاده می‌نمایند. از جمله این موارد که از سوی رسانه‌ها انعکاس می‌یابد، برنامه‌ها، اقدامات و تصمیمات مرتبط با جرائم و مجازات‌ها یا به تعبیر دقیق‌تر سیاست جنایی دولت‌هاست. سیاست جنایی به‌معنای مجموعه شیوه‌هایی که هیأت اجتماع با استفاده از آنها به پاسخ‌های علیه پدیده مجرمانه سازمان می‌دهد (دل‌ماس‌مارتی، ۱۴۰۲: ۲۴) عمدتاً توأم با ابزارهای کیفری، بوده و در بیشتر موارد در قالب سیاست جنایی تقنینی و قضایی جلوه‌گر می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۵: ۲۹۱).

سیاست جنایی از هر نوع آن که باشد در برخی موارد، با هدف یا توجیه تضمین حداکثری امنیت، جنبه سختگیرانه آن به‌شدت افزایش می‌یابد؛ به‌طوری که دولت، آن را بر محور امنیت، تنظیم نموده و با اتخاذ تدابیر سختگیرانه نسبت به برخی جرائم و توسل به ابزارهای کیفری به پدیده مجرمانه با شدت، پاسخ می‌دهد. این نوع از سیاست جنایی که امروزه به‌عنوان «سیاست جنایی امنیت‌مدار» یا «امنیت‌گرا» شناخته می‌شود، هدف اصلی آن، حفظ امنیت یا بازگشت امنیت به‌هم‌خورده به جامعه می‌باشد (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۴۸-۴۴). جنایات علیه امنیت عمدتاً اقداماتی هستند که حاکمیت، نظام سیاسی، تمامیت ارضی، امنیت عمومی، توانایی‌های دفاعی و استقلال کشور و نیز نظم اجتماعی ناشی از قانون اساسی را خدشه‌دار می‌کنند. از منظر حقوق کیفری، جرائم علیه امنیت ملی، اعمال خطرناک

اجتماعی هستند که مشخصه بارز آنها فعل یا ترک فعلی است که با عمد یک فرد عاقل که به سن مسؤولیت کیفری رسیده است، با تجاوز به نظم دولتی و اجتماعی کشور انجام می‌شود (Horpyniuk: 2021, 211).

رویکرد امنیت‌مداری در سیاست جنایی با توجه به تأثیر مستقیم آن بر حقوق و آزادی‌های شهروندان، ممکن است با مخالفت صریح یا ضمنی آنان مواجه شود و یا حداقل از نظر جامعه، اعمال چنین سیاست‌هایی بدون فایده و ضرورت قلمداد گردد؛ به‌طوری که همین موضوع اجرای سیاست جنایی از جمله تدابیر سرکوبگر و مجازات‌های خشن را ناموفق نماید. به همین دلیل دولت‌ها در برخی موارد، ناچارند به‌منظور ایجاد مقبولیت این سیاست جنایی در افکار عمومی، زمینه‌ها و بسترهای لازم را فراهم نمایند. یکی از ابزارهای موجود بدین منظور استفاده از رسانه‌های جمعی است.

از آنجایی که امروزه در عمل بسیاری از دولت‌ها برای توجیه سیاست جنایی امنیت‌مدار خود از ابزار رسانه‌های جمعی استفاده می‌کنند و بسیاری از رسانه‌ها نیز برای حفظ بقا و استمرار فعالیت خود ناگزیر به تبعیت از سیاست جنایی امنیت‌مدار هستند؛ به‌طوری که در صورت اجتناب از آن، ممکن است به تهدید برای امنیت ملی متهم شوند، می‌توان از نقش و تأثیر رسانه‌های جمعی در راستای تحقق سیاست جنایی امنیت‌مدار سخن گفت (Annemarie, 2021: 116-117).

با توجه به اینکه از یک‌سو در نظام حقوقی ایران نیز نمونه‌هایی از گرایش به سیاست‌های جنایی امنیت‌مدار قابل مشاهده است و از دیگر سو با اعمال سیاست جنایی امنیت‌مدار ممکن است حقوق و آزادی‌های عمومی شهروندان به بهانه حفظ امنیت نادیده گرفته شود (مندنی و آشوری، ۱۳۹۷: ۱۸۷) مسأله نقش و جایگاه رسانه‌های جمعی در خصوص سیاست جنایی امنیت‌مدار دولت و تأثیر آن بر حقوق و آزادی‌های شهروندان، دلالت بر اهمیت این موضوع داشته و ضرورت بررسی آن را در قالب یک اثر پژوهشی مستقل، توجیه می‌نماید.

¹ - Mass Media

² - Social Media

با امعان نظر به موارد فوق، مقاله‌ی کنونی به دنبال پاسخ به این سؤال است نقش و جایگاه رسانه‌های جمعی در راستای تحقق سیاست جنایی امنیت‌مدار چیست؟

فرضیه‌ای که برای سؤال فوق می‌توان ارائه داد آن است رسانه‌های جمعی در راستای تحقق سیاست جنایی تقنینی و قضایی امنیت‌مدار عمدتاً به صورت آگاهانه نقش مستقیم یا غیرمستقیم دارند.

در راستای پاسخ به این سؤال مقاله، پژوهش کنونی با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای در قالب دو بخش مجزا به بررسی و تحلیل نقش و جایگاه رسانه‌های جمعی در راستای تحقق سیاست جنایی امنیت‌مدار خواهد پرداخت. در این راستا ابتدا در بخش نخست، نقش رسانه‌های جمعی در تحقق سیاست جنایی تقنینی امنیت‌مدار و پس از آن در بخش دوم، نقش رسانه‌های جمعی در تحقق سیاست جنایی قضایی امنیت‌مدار توضیح داده خواهد شد.

۱- نقش رسانه‌های جمعی در تحقق سیاست جنایی تقنینی امنیت‌مدار

سیاست جنایی تقنینی به مجموعه‌ای از تدابیر مبارزه با بزهکاری اطلاق می‌شود که در قوانین، متجلی شده است. رسانه‌های جمعی در تحقق سیاست جنایی تقنینی امنیت‌مدار معمولاً می‌توانند در دو مرحله نقش‌آفرینی کنند؛ نخست در زمان تدوین قوانین و دیگری در زمان تصویب قوانین که در این بخش به ترتیب در مورد هر یک توضیح داده می‌شود.

۱-۱- تأثیر رسانه‌ها در مرحله تدوین قوانین

نخستین مرحله از تأثیر رسانه‌های جمعی بر سیاست جنایی را باید در مرحله‌ی «تدوین قانون» به معنای گردآوری و تنقیح قوانین برای تنسيق نظم حقوقی موجود از سوی دولت (در معنای عام آن) دانست. در واقع در بسیاری موارد، برنامه و تصمیم دولت برای مقررات‌گذاری یا وضع قاعده حقوقی در زمینه خاص، پیش از تهیه هرگونه طرح یا لایحه قانونی، از طریق رسانه‌های جمعی، اعلام می‌شود.

اقدامات رسانه‌ای برای حمایت از تدوین قوانین با رویکرد امنیت‌محور معمولاً پس از وقوع رخداد‌های مجرمانه بزرگ، قابل مشاهده است؛ در واقع در برخی موارد، ایجاد یا تشدید سیاست جنایی امنیت‌مدار به دنبال وقوع جرائم بزرگ و تبلیغ گسترده رسانه‌ها در مورد آن بوده است؛ در این زمینه رخداد‌های تروریستی مهم واقع شده در کشورهای ایالات متحده آمریکا و فرانسه را می‌توان به عنوان مثال ذکر نمود. در ایالات متحده آمریکا به دنبال حمله یازده سپتامبر سیاست جنایی امنیت‌گرا تقویت شد؛ به طوری که پس از وقوع این حادثه تروریستی، به منظور مقابله با چنین وقایعی، پیش‌نویس قانون میهن‌پرستی، تدوین و به تصویب رسید. از جمله موارد دارای رویکرد امنیت‌مدارانه که در این قانون تجویز شده است ضبط و رهگیری ارتباطات تلفنی و رایانه‌ای مشکوک به ارتباطات تروریستی بوده است (USA Patriot Act, 2001). در فرانسه نیز پس از حمله تروریستی به دفتر مجله شارلی ابدو در سال ۲۰۱۵ رسانه‌ها اهمیت موضوع را بسیار برجسته نموده و سعی نمودند نشان دهند در نظام حقوقی فرانسه در زمینه مقابله با تروریسم، نقص‌های قانونی قابل توجهی وجود دارد. در این قضیه، نقش رسانه‌ها در بازنمایی جرم از سایر موارد مشابه، پررنگ‌تر بوده است، زیرا رسانه‌های فرانسوی سعی نمودند در حمایت از هم صنف خود که مورد حمله تروریستی قرار گرفته بود پوشش خبری جامع و مستمری ارائه داده و قضیه را بیشتر از آنچه واقعاً بوده است امنیتی و جهانی جلوه دهند. به دنبال این موضوع، دولت فرانسه در پی تصویب قوانین جدید جهت مبارزه با فعالیت‌های تروریستی برآمد و پیش‌نویس لایحه ضد تروریستی فرانسه که به مقامات اجرایی اجازه می‌داد ارتباطات تلفنی هر شخص مظنون به ارتباط با عملیات تروریستی را حتی بدون اجازه قبلی از مقام قضایی شنود نمایند، تدوین شد. همچنین تدوین قانون جاسوسی (اطلاعاتی و ضداطلاعاتی) جدید در فرانسه که از ماه ژوئیه سال ۲۰۱۵ به اجرا درآمد و آزادی‌های مدنی را تا حد زیادی محدود نمود یکی دیگر از قوانین جدید ضد تروریستی پس از واقعه شارلی ابدو بوده است (Melo, 2016: 2).

اقدام به پیشنهاد تصویب چنین قوانینی می‌نمایند (بهادران و آقاسی، ۱۳۹۹: ۸۸).

اگرچه برخی نویسندگان بر این باورند حقوق کیفری، ابزاری برای تأمین امنیت است و ایجاد امنیت از طریق قوانین یکی از اهداف و کارکردهای آن می‌باشد؛ در نتیجه تأمین امنیت از مجرای حقوق کیفری مستلزم دخالت سیاست در قانون‌گذاری کیفری به معنای نفوذ قوه مجریه یا صاحبان مناصب سیاسی در قانون‌گذاری است (توجهی و دهقانی، ۱۳۹۲: ۱۴)؛ با این حال به نظر می‌رسد تأمین امنیت از طریق حقوق کیفری لزوماً نیازمند دخالت عوامل سیاسی در قانون‌گذاری نباشد؛ بلکه در برخی موارد با توجه به اینکه حق بر امنیت خود جزء حقوق شهروندی است، عوامل حقوقی صرف‌نظر از دیدگاه‌های سیاسی در آن دخیل باشند.

در فرضی که در ورای اظهارنظر رسانه‌ای، اهداف سیاسی نهفته است، چنین اظهارنظرهایی ممکن است در مرحله تدوین و تهیه پیش‌نویس طرح یا لایحه، بر نحوه نگارش مواد قانونی تأثیرگذار باشد؛ به‌طوری‌که تهیه‌کنندگان پیش‌نویس تحت تأثیر رسانه‌ها در راستای تضمین حداکثری امنیت یا با چنین توجیهی، حسب مورد، در متن قانونی، دایره شمول جرائم را توسعه دهند یا به سمت پذیرش جرائم مطلق و مادی شدن جرم‌گرایش یابند و یا آنکه تأسیس دادگاه‌های اختصاصی را پیش‌بینی کنند. در واقع، درحالی‌که اصل قانونی بودن، تنها در جرائم و مجازات‌ها خلاصه می‌شود و نسبت به حالت‌های خطرناک، قابل تسری نیست، اما در راستای سیاست جنایی امنیت مدار ممکن است برخی حالت‌های خطرناک به‌عنوان جرم مستقل در متن پیش‌نویس پیش‌بینی شوند مانند صرف تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور (مهر، ۱۳۹۰: ۱۲۸) و یا آنکه جرائم تعیین‌شده در متن پیش‌نویس^۴، به‌عنوان جرائم

به‌طور کلی دولت‌های قائل به سیاست جنایی امنیت‌گرا سعی در مدیریت برخی شبکه‌های اطلاع‌رسانی (که در واقع به‌منزله یک پایگاه اطلاعاتی و امنیتی برای آن‌هاست) نموده و رسانه‌ها را برای انعکاس وقایع زمینه‌ساز تدوین طرح یا لایحه متضمن سیاست جنایی امنیت‌مدار و نیز حمایت از سیاست‌های خشن یا امنیتی دولت بسیج می‌نمایند (Stenson, 2007: 159). در این موارد، هیأت حاکمه با توجیهات امنیتی و به بهانه جریحه‌دار شدن افکار عمومی با استفاده از تاکتیک‌هایی مانند بازنمایی رسانه‌ای از جرم و عوام‌گرایی کیفری سعی می‌نماید ضرورت وضع قوانین جدید یا اصلاحات قانونی را توجیه نماید (فروغی و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۱). در چنین وضعیتی، برخی رسانه‌های جمعی، در راستای سیاست جنایی امنیت‌مدار گام برداشته و بازگوکننده اعتقاد خواهند شد تا اطلاعات؛ به تعبیر دیگر، اخبار و گزارش‌هایی که در این موارد از طریق رسانه‌های جمعی ارائه می‌شود در ورای آن، عمدتاً عقیده حاکمیت نهفته است تا حقایق موضوع (Annemarie, 2021: 118).

در این موارد گزارش‌های رسانه‌ای برای اطلاع‌رسانی به‌منظور تغییر دادن یا جهت‌دهی به نگرش‌ها هدف‌گذاری می‌شوند و رسانه‌ها انتظار دارند گزارش‌های گسترده و مکرر در مورد مسائل مربوط به امنیت، به هوشیاری امنیتی منجر شود (Elliot, 2024: 26).

رسانه‌ها عمدتاً به انعکاس دیدگاه‌های مقامات سیاسی می‌پردازند که قائل برآنند زمانی‌که فرد با سوءاستفاده از آزادی‌هایی که به وی داده شده است با ارتکاب جرم، امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد، باید توان ارتکاب جرم از وی سلب شود؛ در واقع در بسیاری از این موارد، مبارزه با جرم جنبه سیاسی به خود می‌گیرد و سیاستمداران در ظاهر با هدف حفظ امنیت شهروندان که می‌تواند مصادیق متعددی داشته باشد

^۱- Penal populism

^۲- Opinion

^۳- Information

^۴- به‌عنوان مثال طبق قانون خدمات امنیتی بریتانیا (۱۹۸۹)، حفاظت از امنیت ملی، شامل حفاظت در برابر تهدیدهایی مانند تروریسم، جاسوسی و خرابکاری، فعالیت‌های عوامل قدرت‌های خارجی و اقداماتی با هدف سرنگونی یا تضعیف دموکراسی پارلمانی یا نهادهای سیاسی و صنعتی یا اعمال خشونت‌آمیز، می‌باشد (UK Security Service Act, 1989).

^۵- به‌عنوان مثال اصل ۲۲ قانون اساسی ایران در خصوص حق بر امنیت، بیان می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

برخورد شدید با جرائم (به‌عنوان یک موضوع عامه‌پسند) را وعده داده و پس از موفقیت در انتخابات، سیاست کیفری عامه‌پسند را به مرحله تدوین قوانین و تصویب برسانند (فروغی و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۱).

۲-۱- تأثیر رسانه‌ها در مرحله تصویب قوانین

تصویب قوانین عمدتاً فرآیند پر فراز و نشیبی دارد و ممکن است از زمان شروع به بحث و بررسی در مورد یک طرح یا لایحه تدوین شده تا تأیید نهایی آن ماه‌ها به درازا بیانجامد. همین مدت‌زمان طولانی زمینه را برای حضور هرچه بیشتر رسانه‌ها و اظهارنظر آنها در مرحله تصویب قانون فراهم می‌نماید.

نقش و جایگاه رسانه‌ها در سیاست جنایی تقنینی امنیت‌مدار تا حد زیادی به نظام حاکم بر آزادی رسانه‌ها در هر کشوری بستگی دارد؛ در نظام‌های دموکراتیک، مطبوعات، ابزار حکومت تلقی نمی‌شوند، بلکه ابزاری برای انتشار افکار همه اشخاص اعم از مردم و دولت می‌باشد. در این کشورها رسانه‌ها سیاست‌های جنایی امنیت‌مدار مندرج در پیش‌نویس قانون را عمدتاً به دلیل نقض یا ایجاد محدودیت در حقوق شهروندان مورد انتقاد قرار می‌دهند. در مقابل در کشورهایی که نظام اقتدارگرایی حاکم است، رسانه‌های جمعی به‌ویژه مطبوعات، خدمت‌گزار دولت شناخته شده و در خصوص محتوایی که انتشار می‌دهند در برابر دولت مسؤولیت دارند. در این نظام‌ها انتشار مطبوعات نیاز به اخذ مجوز از دولت دارد و دولت اختیار سانسور اخبار را پیش از انتشار آن دارد. در نظام‌های توتالیتار نیز دیدگاه بر آن است، هدف اصلی مطبوعات، کمک به تداوم نظام و حاکمیت است. به همین جهت، مالکیت رسانه‌ها دولتی بوده و کاملاً تحت کنترل دولت است (عزیزی و مهدوی‌ثابت، ۱۴۰۰: ۱۵-۱۴).

در این کشورها رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌هایی که انعکاس‌دهنده دیدگاه دولت هستند، از سیاست جنایی امنیت‌گرایانه، حمایت می‌کنند. این رسانه‌ها در مرحله تصویب قوانین می‌توانند از دو

مطلق (تحقق به صرف ارتکاب عنصر مادی) تعیین شوند که این در واقع به‌معنای اثبات آسان‌تر جرم (به‌دلیل مفروض بودن سوء نیت مرتکب) نسبت به جرائم مقید است. علاوه بر این، با توجه به اینکه ایجاد صلاحیت قانونی، تنها از اختیارات قانون‌گذار است یکی از جلوه‌های تأثیر سیاست جنایی امنیت‌مدار در مرحله تدوین قانون، تأسیس دادگاه‌های اختصاصی یا همان دادگاه‌های با صلاحیت اختصاصی رسیدگی به برخی جرائم خاص است (غلامی و معظمی، ۱۳۹۶: ۹۲).

به نظر می‌رسد اگرچه رسانه‌ها در مرحله تدوین قوانین با رویکرد امنیت‌مدار، می‌توانند تأثیرگذار باشند، با این حال تأثیر آنها در تحقق سیاست جنایی تقنینی امنیت‌مدار در این مرحله، احتمالی و اندک است؛ زیرا چه‌بسا ممکن است با وجود رسانه‌ای شدن برنامه و تصمیم دولت برای تدوین قانون امنیت‌مدار، طرح یا لایحه از جدیت لازم برخوردار نبوده و قانون مورد نظر توسط قوه مقننه به تصویب نرسد. نمونه‌های متعددی از این طرح‌ها و لوایح دارای رویکرد امنیت‌محور را در نظام حقوقی ایران می‌توان مشاهده نمود که با وجود سپری شدن چندین سال از تدوین آنها تاکنون به تصویب قوه مقننه نرسیده و در قالب قانون، ظاهر نشده‌اند. با توجه به این موضوع می‌توان گفت تأثیر رسانه‌ها در تحدید حقوق و آزادی‌های شهروندی نیز در این مرحله احتمالی بوده و تا زمان تصویب قانون، آشکار نخواهد شد.

علاوه بر موارد فوق که رسانه‌ها در تدوین قوانین امنیت‌مدار تأثیر مستقیم دارند، در برخی موارد این تأثیر به‌صورت غیرمستقیم نیز می‌تواند ظاهر شود. از جمله این موارد، زمانی است که رسانه‌ها از شخص یا حزب خاصی که گرایش به امنیتی کردن فضای کشور دارد و از دیدگاه‌های وی طرفداری کنند و موفق شوند که آن شخص یا حزب بتواند قدرت را به دست گیرد. در واقع در این موارد سیاستمداران با هدف پیروزی در انتخابات، اقدام به عوام‌گرایی کیفری می‌نمایند؛ بدین معنی که به‌منظور جلب آرای عمومی، بدون توجه به یافته‌های علمی،

^۱- به عنوان مثال، «طرح تشدید مجازات جرایم اخلاص در امنیت روانی جامعه» (۱۳۸۷) و «طرح تأمین امنیت برگزاری مراسم» (۱۳۹۶) از جمله این موارد است (ر.ک: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، به نشانی اینترنتی: <https://rc.majlis.ir>)

وکلای طرفین دعوی باید از میان وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضاییه انتخاب شوند.

دخالت‌های سیاسی این‌چنینی که قوانین را به سمت امنیتی شدن سوق می‌دهند و به‌معنای سیاسی‌شدن رویکرد به بزهکاری است، اگرچه به‌زعم برخی با حقوق شهروندی، مغایر است اما در عین حال طرفدارانی نیز دارد؛ به‌طوری‌که به عقیده موافقان، امنیت‌گرایی قوانین در برخی موارد می‌تواند کارکرد مثبت نیز داشته باشد؛ زیرا حقوق کیفری برای دفاع و پاسداشت هنجارهای اساسی جامعه ایجاد شده است و در تعامل میان سیاست و حقوق، اگر سیاست حقوقی شود، حقوق و آزادی‌های شهروندان به‌گونه‌ای مطلوب تأمین خواهد شد (غلامی و معظمی، ۱۳۹۶: ۷۳). علاوه بر این، طرفداران سیاست جنایی امنیت‌گرا بر پایه فایده‌گرایی نیز به توجیه این نوع سیاست جنایی می‌پردازند. به‌زعم آنان جرائم مهم موجب برهم خوردن امنیت کشور می‌شود و حفظ و برقراری امنیت که نفع جمعی محسوب می‌شود بر نفع شخصی (نفع فرد بزهکار) ترجیح دارد. بنابراین در صورتی که نفع اکثریت در نادیده گرفتن حقوق بنیادین گروه اقلیت مجرمان باشد، باید نفع اکثریت ترجیح داده شود (مندنی و آشوری، ۱۳۹۷، ۱۹۱).

با این حال این رویکردها قابل انتقاد می‌باشد؛ زیرا درحالی‌که رسانه‌ها باید خود به‌عنوان یکی از ابزارهای جوامع دموکراتیک به گسترش حقوق شهروندی و آزادی‌های عمومی کمک نمایند در جهت مخالف با آن گام برمی‌دارند و با توجیه محدودیت‌های قانونی ایجاد شده در زمینه مواردی چون حق آگاهی از اتهام انتسابی و دلایل موجود، حق انتخاب وکیل و حق برخورداری از امکانات کافی برای دفاع که امروزه به‌عنوان مصادیق حقوق شهروندی به‌شمار می‌آیند، به تضعیف اصول دادرسی منصفانه اقدام می‌کنند. علاوه بر این، سیاست جنایی تقنینی لازم است برای جرم انگاری و خلاف هنجار دانستن رفتار افراد توجیه مناسبی داشته باشد و اصل حداقلی بودن حقوق کیفری را رعایت کند (غلامی، ۱۳۹۳: ۱۶).

جهت در تحقق سیاست جنایی امنیت‌مدار، مؤثر باشند؛ نخست، آنکه رویکرد امنیت‌مدار موجود در متن تدوین‌شده را مورد حمایت قرار دهند. در این موارد رسانه‌ها چنین وانمود می‌کنند که برخی جرائم، بشدت موجب نگرانی مردم و دولت هستند؛ به همین جهت برای مقابله با آنها تدابیر امنیتی و سرکوبگر بهترین راه حل است و اصلاح و بازپروری مجرمان، کارساز نخواهد بود و نمی‌تواند امنیت باز رفته را به‌آسانی بازگرداند. در واقع با توجه به اینکه در سیاست جنایی امنیت‌گرا هدف از اعمال مجازات، سرکوب بزهکار، سزادهی وی و مقابله با اقدامات مجرمانه یا منحرفانه وی می‌باشد و بر همین اساس در مرحله وضع قوانین، ماهیت مجازات‌های اصلی عمدتاً جسمانی (شامل اعدام، حبس، شلاق و تبعید) است تا موجب درد و رنج بزهکار و عبرت‌آموزی وی و دیگران باشد (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۶۰). رسانه‌ها از این موارد حمایت می‌کنند. بنابراین، در این مرحله رسانه‌ای شدن تصویب یک قانون با رویکرد امنیت‌مدارانه، ممکن است در نوع و میزان مجازات، تأثیرگذار باشد.

دوم آنکه، در مواردی که متن قانون پیشنهادی رویکرد امنیت‌مدارانه ندارد، اما دولت یا برخی مقامات عالی سیاسی، تمایل به امنیت‌گرایی آن دارند، رسانه‌ها ممکن است ضرورت وجود قاعده یا قواعد امنیت‌مدارانه را تبیین نمایند. در این مرحله، رسانه‌ها با بازتاب دادن نگرانی‌های مردم و انتظار آنان از قانون در مرحله تصویب بر مجلس قانون‌گذاری تأثیر می‌گذارند؛ به‌عنوان مثال، درحالی‌که برخی قوانین مشخصاً دارای رویکرد امنیتی نیستند و جزء قوانین عام محسوب می‌شوند (مانند قوانین مربوط به آیین دادرسی)، در فرآیند تصویب، مواردی که دارای جنبه امنیتی است به آنها اضافه شود. نمونه عملی این موضوع را در نظام حقوقی ایران در فرآیند تصویب قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) می‌توان مشاهده نمود؛ به‌عنوان مثال درحالی‌که در متن اولیه این قانون، حق انتخاب وکیل به‌طور مطلق پذیرفته شده بود، در مرحله تصویب، تبصره ماده ۴۸ این قانون مقرر نمود در جرائم علیه امنیت و جرائم سازمان‌یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی وکیل یا

۲- نقش رسانه‌های جمعی در تحقق سیاست جنایی قضایی امنیت‌مدار

سیاست جنایی قضایی به معنای اقدامات و تدابیری است که در تصمیمات و عملکردهای مراجع قضایی، منعکس می‌شود. با توجه به اینکه پس از تبیین اصول و مبانی کلی نظام کیفری از سوی قانون‌گذار، تفسیر و تطبیق آن با موارد مصداقی از وظایف قضات است، می‌توان گفت سیاست جنایی قضایی عبارت است از سیاست جنایی تقنینی، آن‌گونه که مورد برداشت، تفسیر و عمل قضات است (قیاسی، ۱۳۸۵: ۲۹). به‌منظور بررسی نقش رسانه‌های جمعی در سیاست جنایی قضایی امنیت‌مدار، در این بخش به ترتیب در مورد تأثیر رسانه‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و صدور حکم و در نهایت اجرای حکم توضیح داده می‌شود.

۲-۱- تأثیر رسانه‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی

مرحله تحقیقات مقدماتی معمولاً از زمان نخستین تصمیم یا دستور مقام قضایی در ارتباط با جرم، شروع می‌شود و تا صدور قرار نهایی، ادامه می‌یابد. از آغاز این مرحله، یعنی زمانی که جرم، کشف و متهم تحت تعقیب قرار می‌گیرد رسانه‌ها در برخی موارد از آن مطلع می‌شوند. با این حال رسانه‌ها همه جرائمی را که از آن مطلع می‌شوند، منتشر نمی‌کنند؛ زیرا از نظر آنها همه جرائم دارای جذابیت خبری نیستند. رسانه‌ها از ترجیحات جنایی عموم مردم یا به تعبیر برخی «داستان جنایی ایده‌آل» آگاه هستند و بیشتر در مورد آنها گزارش می‌کنند (Sanchez, 2019: 43-46). رسانه‌ها در انتخاب جرائم برای انتشار جهت جذب حداکثری مخاطب، هوشمندانه عمل می‌کنند. آنها عمدتاً سه دسته اخبار جنایی را برجسته نموده و مکرراً باز نشر می‌نمایند؛ نخست رخدادها یا جنایی دارای ویژگی‌های خاص (مانند قتل فجیع، تجاوز به عنف گروهی و جرائم علیه امنیت ملی)، دوم، موقعیت خاص مرتکب جرم (مانند جرم ارتكابی توسط یک مقام عالی سیاسی شناخته‌شده) و سوم، موقعیت بزه‌دیده. در واقع در این موارد رسانه‌ها دست به گزینش‌گری می‌زنند و در احساس امنیت شهروندان تأثیر می‌گذارند (آسیایی، ۱۳۹۵: ۱۱۲). به تعبیر برخی نویسندگان، یکی از کارکردهای

منفی رسانه‌ها ایجاد امواج جرم است؛ بدین معنی که رسانه‌ها در راستای منویات حکومت یا جذب مخاطبان، برخی جرائم را در قالب موج‌هایی برجسته و متمایز به تصویر می‌کشند از جمله ارائه گزارش‌های مکرر در مورد برخی اشکال جرائم به‌طوری‌که این تصور را در افکار عمومی ایجاد می‌کنند که آن جرم شیوع فراوانی دارد یا مجرمان آن خطرناک هستند (رزمان، ۱۳۹۶: ۱۲۴).

با این حال به‌زعم برخی از نویسندگان، میزان بازنمایی پدیده مجرمانه در رسانه گروهی نیست که چالش‌آفرین است، بلکه کیفیت این بازنمایی و نحوه چیدمان اخبار جرائم است که سبب ایجاد ترس می‌شود. رسانه‌های تحت نفوذ و تأثیر حاکمیت، در مورد خطرات جرم، بزرگنمایی نموده و یا تصویری وحشتناک از آن ارائه می‌دهند و موجب ایجاد ترس در مردم می‌شوند و حکومت‌های اقتدارگرا نیز همین ترس و وحشت انعکاس یافته از سوی رسانه‌ها را دستاویزی برای برخورد شدید و حداکثری با جرائم قرار می‌دهند (آسیایی، ۱۳۹۵: ۱۱۷).

رسانه‌ها با شکل‌دهی افکار عمومی، سعی می‌کنند مخاطبان را با خود همراه نمایند؛ به‌طوری‌که در برخی موارد مصاحبه با مردم در مورد برخی جرائم رسانه‌ای شده، نشان می‌دهد افراد در مصاحبه‌ها صرفاً آنچه را که از طریق رسانه‌ها دریافت کرده‌اند مانند لزوم برخورد شدید و عبرت‌آموز از واقعه را بازگو می‌کنند. در واقع رسانه‌ها انتظارات مردم از دستگاه قضایی و قضات در برخورد با مجرمان را بازتاب می‌دهند و از ارائه تحلیل‌های عمیق و مبتنی بر واقعیت‌ها اجتناب می‌نماید و سعی در احساسی کردن فضا دارند (یاراحمدی و نوروزی، ۱۴۰۱: ۶۲۰). در این مرحله، به‌ویژه در مواردی که پرونده شاکیان متعددی دارد، برای جلب اعتماد افکار عمومی ممکن است در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز مسائلی از پرونده برای رسانه‌ها بازگو شود. علاوه بر موارد فوق، در بسیاری موارد سازمان‌های سیاسی و نظامی یک کشور که در حوزه امنیتی نیز اختیاراتی دارند خود صاحب برخی رسانه‌ها اعم از مطبوعات و خبرگزاری‌ها بوده و از طریق آنها به با هدف تهییج افکار عمومی به امنیت‌گرایی دامن می‌زنند تا مردم و افکار عمومی

¹ - Ideal Crime Story

را با اقدامات و تصمیمات دولت همراه نمایند و آنها را متقاعد کند که این اقدامات و تصمیمات، ضرورت داشته است.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است رسانه‌ای شدن جرائم مهم چه تأثیری در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌تواند داشته باشد؟

به عقیده برخی نویسندگان، با توجه به اینکه مرحله تحقیقات مقدماتی در بیشتر کشورها از نظام تفتیشی، تبعیت می‌کند و در این نظام‌ها اصل بر غیرعلنی و محرمانه بودن است (آخوندی، ۱۳۹۱: ۵۴) در نتیجه، حضور رسانه‌ها با محدودیت همراه بوده و رسانه‌ها اطلاعات چندانی در مورد جرائم مهم به‌ویژه جرائم امنیتی نمی‌توانند به دست آورند. در واقع در این موارد، رسانه‌ها به دلیل کمبود اطلاعات و محدود بودن فرصت و عدم دسترسی به منابع اطلاعاتی ناچارند تنها آنچه را دولت (اعم از مقامات قوه مجریه و قضاییه) به آنها اعلام می‌نماید، بپذیرند و تنها همان را منتشر کنند (Annemarie, 2021: 120).

با این حال بر خلاف دیدگاه فوق، به نظر می‌رسد حتی در کشورهایی که در آنها مرحله تحقیقات مقدماتی از نظام تفتیشی تبعیت می‌کند، رسانه‌ها در جریان تحقیقات مقدماتی تأثیر فراوانی دارند. بیشتر نویسندگان چنین دیدگاهی دارند؛ با وجود این، در خصوص آثار مطلوب یا نامطلوب رسانه‌ها در این مرحله اختلاف نظر وجود دارد؛ به‌طوری‌که برخی نویسندگان، حضور رسانه‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی را دارای آثار مثبت بر تحقیقات مقدماتی دانسته‌اند؛ به‌زعم آنان، رسانه‌ای شدن جرائم یا بازنمایی رسانه‌ای در مرحله تحقیقات مقدماتی، موجب می‌شود قضات زیر ذره‌بین قرار گیرند و در تحقیقات مقدماتی دقت بیشتری نمایند و در رسیدگی به جرم تسریع کنند. همچنین، رسانه‌ای شدن در برخی موارد، سبب می‌شود رسانه‌ها به دلیل کنجکاوی، به موازات مراجع قضایی خود مستقلاً به دنبال کشف زوایای دیگری از جرم یا شناسایی مجرمان باشند و یافته‌های آنها در برخی موارد به مراجع قضایی کمک می‌کند (Levinson-Waldman, 2024: 2-5).

با این حال به نظر می‌رسد آثار مثبت فوق، احتمالی بوده و آثار نامطلوب رسانه‌ای شدن جرائم در مرحله تحقیقات مقدماتی به چند دلیل، بیشتر باشد؛ نخست آنکه، رسانه‌ها ممکن است با انتشار اخبار مربوط به جرم ارتكابی، مرحله تحقیقات مقدماتی را با مشکل مواجه کنند. از جمله آنکه تجربه نشان داده است رسانه‌ای شدن (اعم از اظهارنظر خبرنگاران عمومی یا مقامات عالی قضایی در مورد یک جرم) در برخی موارد، موجب تأخیر در دستگیری متهم شده (یاراحمدی و نوروزی، ۱۴۰۱: ۶۲۲-۶۲۱) و یا شرکا، معاونین جرم و کلیه کسانی که با جرم ارتكابی در ارتباط هستند با اطلاع یافتن از کشف جرم، مخفی یا متواری شده و یا سعی در امحای آثار ارتباط جرم با خود نموده‌اند (چقازردی، ۱۳۹۷: ۲۹۲). به همین دلیل در نظام حقوقی بسیاری از کشورها مرحله تحقیقات مقدماتی جنبه محرمانه دارد و در قوانین برخی کشورها سازکارهایی برای محدودیت یا ممنوعیت دسترسی به پرونده‌های مهم که ممکن است سبب رسانه‌ای شدن آنها شود، پیش‌بینی شده است؛ به‌عنوان مثال در نظام حقوقی ایران به‌موجب ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲)، انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی جز در موارد استثنایی ممنوع است.

دوم آنکه، رسانه‌ای شدن جرم، موجب می‌شود جرم ارتكابی بیش از اندازه بزرگ جلوه داده شده و جنبه خصوصی جرم تحت تأثیر جنبه عمومی آن قرار گیرد. این موضوع به‌ویژه در جرائمی که علاوه بر جنبه عمومی جنبه خصوصی نیز دارند از جهاتی ممکن است موجب تضییع حقوق بزه دیده شود؛ زیرا درحالی‌که بزه‌دیده به دلایلی خواستار اعلام گذشت است اما تحت تأثیر رسانه‌ها که جنبه عمومی جرم را بسیار برجسته نموده و جرم را دارای اهمیت فراوان، جلوه داده‌اند، در معذوریت قرار گرفته و قادر به این کار نگردد (یاراحمدی و نوروزی، ۱۴۰۱، ۶۴۱).

^۱- Media Representation

^۲- به عنوان مثال به موجب ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲)، «چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند...».

وجود همه شرایط لازم برای صدور این قرار تأمین، به‌منظور تسکین افکار عمومی، نسبت به صدور آن مبادرت نموده‌اند و یا آنکه در برخی موارد، قرارهای وثیقه صادره، آن‌قدر سنگین بوده است که در عمل، فراهم کردن آن برای متهم امکان‌پذیر نبوده که در نهایت منجر به بازداشت متهم گردیده است. این در حالی است که از یک‌سو، یکی از اصول حاکم بر قرارهای تأمین کیفری، اصل تناسب یا متناسب بودن قرار تأمین کیفری است و از دیگر سو بازداشت اشخاص با حق برخورداری از آزادی جسمانی به‌عنوان یک حق شهروندی، مغایرت دارد.

پنجم آنکه، رسانه‌ای شدن جرائم در مرحله تحقیقات مقدماتی در بسیاری موارد، موجب نقض حریم خصوصی متهم، افراد خانواده وی و یا سایر افراط مرتبط با جرم مانند بزه‌دیده، شهود و مطلعان می‌شود؛ به‌ویژه زمانی که در راستای تحقیقات مقدماتی اقدامات پلیسی انجام شده، رسانه‌ای شود (مدنی و آشوری، ۱۳۹۷: ۱۹۲). به همین جهت امروزه در برخی کشور مانند ایالات متحده آمریکا با توجه به اینکه جمع‌آوری اطلاعات از سوی رسانه‌ها عمدتاً با نقض حریم خصوصی افراد یا بدون اطلاع یا رضایت آنان است، وزارت دادگستری ایالات متحده آمریکا بیان داشته است این اطلاعات (به‌دلیل نقض حقوق شهروندی و کسب آن از طریق نادرست) نباید توسط مجریان قانون مورد استفاده یا استناد قرار گیرد (Levinson- 2-5: Waldman, 2024). در نظام حقوقی ایران نیز به‌موجب برخی مقررات، بی‌احترامی و تعرض به حریم خصوصی افراد به معنای نقض حقوق شهروندی به شمار آمده است.

۲-۲- تأثیر رسانه‌ها در مرحله رسیدگی و صدور حکم

برخلاف مرحله تحقیقات مقدماتی که به‌دلیل محرمانه بودن آن در نظام حقوقی بسیاری از کشورها دخالت و حضور رسانه‌ها و به‌تبع آن رسانه‌ای شدن جرائم با محدودیت‌هایی همراه است، در مرحله رسیدگی و صدور حکم، معمولاً رسانه‌ها فرصت حضور بیشتری دارند. در این مرحله رسانه‌ها در خصوص رسیدگی و صدور حکم، تأثیرات متفاوتی ممکن است داشته باشند. در خصوص رسیدگی، رسانه‌ای شدن جرم می‌تواند از

سوم آنکه، حضور رسانه‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی و رسانه‌ای شدن، می‌تواند موجب ایجاد برچسب مجرمانه بر متهم پرونده کیفری، پیش از احراز مجرمیت وی شود. در واقع، برچسب‌زنی مجرمانه علاوه بر نقض نمودن حق برخورداری از کرامت انسانی به‌عنوان یکی از مبانی حقوق شهروندی، موجب می‌شود پیش از اثبات جرم، متهم در گروه منحرفان و مجرمان جامعه جای می‌گیرد و ضمن طرد شدن از جامعه، نه تنها هویت اجتماعی وی تغییر می‌یابد، بلکه ادراک وی از خود، شیوه زندگی نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت؛ به‌طوری‌که وی ممکن است پس از برچسب زدن بیشتر از قبل دچار انحراف شده و برای وی هویت اجتماعی جدیدی ایجاد شود (Cusson, 2015: 822-827).

چهارم آنکه، رسانه‌ای شدن، در برخی موارد، مقام تحقیق را نیز تحت فشار قرار می‌دهد و بر استقلال قضایی و بی‌طرفی قضات به‌عنوان اصول دادرسی منصفانه، تأثیرگذار خواهد بود. این تأثیر ممکن است ذهن مقام تحقیق را به سمت انتخاب عناوین مجرمانه جدی‌تر و یا صدور قرار تأمین کیفری سنگین‌تر سوق دهد؛ در واقع، رسانه‌ها ممکن است با اشاره به ارزش‌های اجتماعی نقض شده در اثر ارتکاب جرم و استفاده از تکنیک‌های خاص خبری از جمله تیترهای انتخابی برای یک خبر و یا تکرار فراوان یک خبر، جرم واقع شده را مهم جلوه دهند و با توجه به شخصیت متهم، شیوه یا وضعیت زمانی و مکانی جرم ارتكابی، القاب دلهره‌آور (مانند خفاش شب، عقرب سیاه، کرکس پیر، قاتل عنکبوتی و راننده مینی‌بوس وحشت) را به متهم نسبت دهند و بدین‌سان بر ترس ایجادشده از جرم، دامن بزنند؛ به‌طوری‌که آزادی متهم را موجب ایجاد ناامنی و خطر برای جامعه و یا گستاخی وی یا سایر بزه‌کاران نشان دهند. نمونه عملی چنین تأثیراتی را در نظام قضایی ایران در پرونده‌های کیفری متعدد می‌توان مشاهده نمود؛ به‌عنوان مثال با اینکه صدور قرار بازداشت موقت به‌عنوان سنگین‌ترین قرار تأمین کیفری، جنبه استثنایی داشته و صدور آن، محدود به موارد مصرح در قانون و تحقق شرایط قانونی است، اما قضات در مرحله تحقیقات مقدماتی، در برخی موارد با وجود تردید در

۱- ر.ک: مواد ۲۳۷ تا ۲۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی)

۲- ماده ۱۳ سند امنیت قضایی (مصوب ۱۳۹۹ رئیس قوه قضاییه)

جهت مدت‌زمان رسیدگی و اثبات جرم، مؤثر باشد. در واقع، رسانه‌ای شدن در برخی موارد ممکن است موجب تسریع در فرآیند رسیدگی شود؛ از آن جهت که از یک‌سو، دادگاه‌ها عمدتاً تمایل ندارند مدت‌زمان زیادی زیر ذره‌بین رسانه‌ها باشند و از دیگر سو عموم جامعه برخورد سریع با جرائم را جزئی از برخورد قاطعانه می‌دانند و تأخیر در رسیدگی را نشانه اهمیت ندادن دادگاه به جرم ارتكابی می‌پندارند.

تسریع در رسیدگی اگرچه در ظاهر امری مطلوب است اما در برخی موارد بر دادرسی عادلانه تأثیر منفی دارد؛ زیرا اصل رسیدگی به جرم در مدت معقول را نادیده می‌گیرد و ممکن است حق دفاع متهم (به‌ویژه عدم اعطای فرصت کافی به متهم یا وکلای وی برای اثبات بی‌گناهی و ارائه ادله)، نادیده گرفته شود (یاراحمدی و نوروزی، ۱۴۰۱: ۶۲۲).

علاوه بر این، رسانه‌ای شدن جرم می‌تواند در نحوه اثبات جرم، مؤثر باشد؛ به‌طوری‌که در برخی نظام‌های حقوقی مانند نظام حقوقی ایران در صورت فقدان یا عدم تحقق شرایط اعمال ادله شرعی یا ادله احصا شده در قوانین کیفری، قاضی ممکن است به قراین و امارات و اوضاع و احوال خارج از پرونده که سبب علم قاضی می‌شود، استناد نماید و با توسل به آنها وقوع جرم را احراز کند؛ به‌عنوان مثال زمانی که شخص، متهم به حضور در اغتشاشات است، مطالب بیان‌شده در پست اینستاگرامی وی مبنی بر انتقاد از نظام و وضعیت اداره کشور، اماره‌ای بر انتساب جرم ارتكابی به وی تلقی گردد.

علاوه بر مرحله رسیدگی، رسانه‌ها در مرحله صدور حکم نیز تأثیرگذار هستند و چه‌بسا تأثیر رسانه‌ها در مرحله صدور حکم بیش از مرحله رسیدگی باشد. رسانه‌ای شدن جرائم به چند دلیل می‌تواند در مجازات قانونی جرم، مؤثر باشد. نخست آنکه، اگرچه قضات دادگاه (به‌عنوان مقامات قضایی صلاحیت‌دار برای رسیدگی و صدور حکم)، همانند نمایندگان پارلمان (به‌عنوان وضع‌کنندگان قوانین با رویکرد امنیت‌مدار) با عموم افراد جامعه در ارتباط نبوده و مستقیماً مستمع دیدگاه‌های آنان

در خصوص جرائم نیستند، اما آنان به‌عنوان عضوی از بدنه جامعه از طریق رسانه‌های جمعی از افکار عمومی مطلع می‌شوند و به‌طور غیرمستقیم از آن متأثر می‌شوند. با توجه به اینکه رسانه‌های جمعی نقش مهمی در نشان دادن مجرمان ایفا می‌کنند و برداشت عموم افراد از قربانیان و جنایتکاران تا حد زیادی با نمایش آنها در رسانه‌های جمعی تعیین می‌شود و به‌ویژه هنگامی که ترس زیادی از یک جرم خاص وجود دارد، رسانه‌ها می‌توانند تخمینی از میزان جرم، انواع جرائم رایج، روند نرخ جرم و جنایت روزانه را در اختیار مردم قرار دهند (Sanchez, 2019: 43-46) همه این موارد از طریق رسانه‌ها به قضات، انتقال می‌یابد.

به همین جهت در این موارد، ممکن است قضات با توجه به حجم افکار عمومی به سمت انتخاب مجازات‌های تنبیهی، افزایش میزان مجازات‌ها و یا اجرای علنی مجازات‌ها گرایش یابند (یاراحمدی و نوروزی، ۱۴۰۱: ۶۲۲). در واقع در این مرحله ممکن است دادگاه تلاش کند تا اقدامات خود را با فضای رسانه‌ای و افکار عمومی، هماهنگ کند و در انتخاب مجازات‌های قانونی، مجازاتی را برگزیند که دارای مقبولیت عامه بوده یا موجب کاسته شدن خشم جامعه از جرم ارتكابی باشد (چقازردی، ۱۳۹۷: ۳۰۹).

این موضوع که ممکن است موجب نادیده گرفته شدن اصل تناسب جرم و مجازات شود، در دادگاه‌های با صلاحیت‌های اختصاصی نمود بیشتری دارد؛ به‌عنوان مثال در نظام قضایی ایران، دادگاه‌های انقلاب که دارای صلاحیت اختصاصی هستند همچنان که برخی نویسندگان بیان داشته‌اند هدف اصلی از تأسیس آنها به‌عنوان مهم‌ترین جلوه رویکرد امنیت‌مدار در ایران که در حال حاضر طیف وسیعی از جرائم امنیتی یا شبه امنیتی در صلاحیت آن قرار دارد، «برخورد قاطع و شدید با اعمالی که موجب تحکیم پایه‌های رژیم گذشته بوده و یا انقلاب اسلامی را به مخاطره می‌افکند» می‌باشد (غلامی و معظمی، ۱۳۹۶، ۹۲).

۱- به موجب ماده ۱۶۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، «هرگاه ادله‌ای که موضوعیت دارد فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشد، می‌تواند به عنوان اماره قضایی مورد استناد قرار گیرد مشروط بر اینکه همراه با قرائن و امارات دیگر، موجب علم قاضی شود».

۲- ر.ک: ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی)

باشد) در رویکرد قضات دادگاه، تأثیرگذار است؛ به‌عنوان مثال با توجه به‌عنوان مجرمانه‌ای که در مرحله تحقیقات مقدماتی، مورد نظر مقام تحقیق بوده و انتخاب شده است تحقیقات مقدماتی و بازجویی‌ها عمدتاً حول محور همان عنوان مجرمانه، شکل گرفته است و ممکن است شامل جرائم دیگر از جمله جرائم با موضوع مشابه و خفیف‌تر نشود. در این موارد قضات دادگاه عمدتاً همان رویکرد قضات دادسرا را نسبت به جرم اتخاذ می‌نمایند؛ زیرا عناوین مجرمانه‌ای که توسط بازپرس انتخاب شده و به تأیید دادستان رسیده است اگر دادگاه در مرحله صدور حکم عناوین مجرمانه دیگر با مجازات‌های سبک‌تر یا همان عنوان مجرمانه بدون کیفیات مشدده را برگزیند ممکن است متهم به تساهل در برخورد با جرم شود. در واقع در این موارد عامه مردم که تحت تأثیر رسانه‌ها جرم ارتكابی را به‌عنوان یک جرم خطرناک درک کرده‌اند، ممکن است پاسخ قضایی را غیر قاطعانه یا ناعادلانه بدانند؛ زیرا بررسی‌ها نشان می‌دهد عموم مردم در برخورد با جرائم، گرایش به سزادهی و کیفردهی دارند و مجازات‌های سبک یا اقدامات تأمینی و تربیتی را برخورد مناسب با مجرمان نمی‌دانند. به نظر می‌رسد یکی از علت‌های این موضوع، آن باشد که دلیل انتخاب نوع و میزان مجازات انتخاب شده از سوی مقام قضایی که ممکن است به عواملی چون علل وقوع جرم (از جمله عوامل محیطی و ویژگی‌های فردی و اجتماعی مرتکب) بازگردد، توسط رسانه‌ها انعکاس داده نمی‌شود. در واقع رسانه‌ها اغلب تصویر دقیقی از جرم و عدالت کیفری ارائه نمی‌دهند (Sanchez, 2019: 43-46) و ماهیت اخبار رسانه‌ای و خلاصه و توصیفی بودن آنها مانع از آشنایی و درک مردم نسبت به همه واقعیات پرونده می‌شود (چقازردی، ۱۳۹۷: ۲۹۷).

۳-۲- تأثیر رسانه‌ها در مرحله اجرای حکم

تأثیر رسانه‌ها در سیاست جنایی قضایی امنیت‌مدار عمدتاً در مراحل تحقیقات مقدماتی و رسیدگی یا صدور حکم بوده و در مرحله اجرای حکم (از آن جهت که تصمیمات در خصوص کیفیت برخورد با جرم پیش از این مرحله، اتخاذ شده است)، کمتر است. با این حال، نباید نقش و تأثیر رسانه‌ها را در مرحله

با این حال، با وجود تأثیر رسانه‌ها در تعیین مجازات‌های شدید نباید تصور شود مقام قضایی در خصوص تشدید مجازات، همواره آزادی عمل دارد؛ زیرا در مورد جرائمی که دارای مجازات قانونی ثابت هستند، رسانه‌ای شدن جرم در نوع و میزان مجازات انتخابی از سوی مقام قضایی تأثیر چندانی ندارد. حتی در جرائمی که دارای مجازات حداقل و حداکثر هستند نیز در برخی موارد محدودیت‌های قانونی در میزان مجازات وجود دارد؛ زیرا به‌عنوان مثال در نظام حقوقی ایران به‌موجب تبصره ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (مصوب ۱۳۹۹)، الحاقی به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، «چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می‌باشد». در نتیجه در جرائم دارای مجازات حداقل و حداکثر، اصل بر عدم تعیین مجازات، بیش از حداقل مجازات قانونی است و فراتر رفتن از آن به‌دلیل نیاز دارد.

دوم آنکه، اگرچه امروزه در نظام قضایی بسیاری از کشورها به‌منظور اصلاح و باز اجتماعی کردن بزهکاران از تدابیر ارفاق‌آمیز مانند تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و اعمال مجازات‌های جایگزین حبس استفاده می‌شود اما سیاست جنایی امنیت‌مدار عمدتاً گرایش به محروم کردن مرتکبان جرائم مهم و امنیتی از تأسیسات ارفاقی دارد (میرمحمدصادقی و رحمتی، ۱۳۹۴، ۲۰). در واقع، صرف‌نظر از مواردی که در قوانین یک کشور، برخی سازوکارهای ارفاقی که در مورد مجرمان عادی اعمال می‌شود در مورد مجرمان جرائم مهم و امنیتی منع شده است، قضات دادگاه با توجه به رسانه‌ای شدن جرم ممکن است مرتکب را حتی در مواردی که قانون ممنوعیتی در این زمینه ندارد از نهادهای ارفاقی محروم نمایند.

سوم آنکه، نحوه برخورد قضات دادسرا با جرم در مرحله تحقیقات مقدماتی (که خود می‌تواند متأثر از رسانه‌های جمعی

۱- مانند مواد ۴۷، ۷۱ و ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲) که بهره‌مندی برخی مجرمان از نهادهای تعویق، تعلیق و مجازات‌های جایگزین حبس را منع کرده‌اند.

حبس، شیوه‌ی پابند الکترونیک و یا نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط اجرا نشود و یا آنکه عفو خصوصی، شامل آنان نگردد. در واقع چنانچه سیاست جنایی قضایی تحت تأثیر رسانه‌ها قرار گیرد، زمانی که مجازات در حال اجراست، قاضی صادرکننده حکم قطعی با توجه به اینکه موضوع رسانه‌ای شده است از اجرای سازکارهای ارفاقی فوق اجتناب نماید.

علاوه بر موارد فوق، در برخی موارد دیگر، رسانه‌ها با انتشار محکومیت‌های کیفری نقش خود را در سیاست جنایی امنیت مدار نشان می‌دهند. در نظام حقوقی برخی کشورها انتشار حکم محکومیت قطعی در قوانین پیش‌بینی شده است؛ به‌عنوان مثال در نظام حقوقی ایران به‌موجب ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی) و تبصره آن، انتشار حکم محکومیت قطعی در برخی جرائم، تجویز شده است. در واقع، انتشار حکم محکومیت قطعی در رسانه‌ها که یکی از انواع مجازات‌های تعزیری درجه شش در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی و یکی از انواع مجازات‌های تکمیلی مندرج در بند "س" ماده ۲۳ قانون فوق است از مصادیق «تشهیر مجرم»، به‌معنای اعلام عمومی مجرم و جرم و مجازات وی می‌باشد. اگرچه به‌زعم برخی نویسندگان، این اقدام یکی از مصادیق اقدامات تأمینی بوده که هدف آن، مجازات و سزادهی نیست (قادر و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۶)؛ با این حال، این عمل موجب تنویر افکار عمومی و پیشگیری از تکرار جرم توسط بزه‌کار و نیز ترس و عبرت‌آموزی دیگران می‌شود. به همین جهت، انتشار حکم محکومیت و رسانه‌ای شدن احکام کیفری را باید از موارد نقش رسانه‌ها بر سیاست جنایی امنیت مدار دانست.

اجرای علنی مجازات، به هر دلیلی که باشد از برخی جهات ممکن است مغایر با حقوق شهروندی باشد؛ زیرا همچنان که برخی نویسندگان بیان داشته‌اند، اجرای علنی برخی مجازات‌ها مانند شلاق در ملاعام، موجب هتک حیثیت و خدشه به کرامت انسانی مجرم می‌شود (امیدی و عطوف، ۱۳۹۴: ۲۱۴) که این خود به معنای نقض حقوق شهروندی است.

نتیجه‌گیری

اجرای حکم نادیده گرفت؛ زیرا آنها در برخی موارد، در شیوه اجرای مجازات و میزان مجازات قابل اجرا در مورد محکومان تأثیرگذار بوده و در برخی موارد دیگر، با انعکاس محکومیت‌های کیفری سیاست جنایی امنیت‌مدار را همراهی می‌نمایند.

در خصوص تأثیر رسانه‌ها در شیوه اجرای مجازات باید گفت: اجرای مجازات می‌تواند به‌صورت علنی یا غیرعلنی باشد. در نظام حقوقی ایران به‌موجب ماده ۴۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی)، اصل بر اجرای غیرعلنی مجازات است؛ «مگر در موارد الزام قانونی یا در صورتی که به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی بزه ارتکابی، نحوه ارتکاب جرم و سوابق مرتکب و بیم تخریب او یا دیگران، دادگاه خود یا به پیشنهاد دادستان اجرای علنی مجازات را ضروری تشخیص دهد و اجرای علنی مجازات را در رأی تصریح کند». به‌زعم بیشتر قضات، تجویز انتشار از صلاحیت‌های انحصاری دادگاه صادرکننده حکم قطعی است و چنانچه در حکم قطعی دادگاه به موضوع انتشار حکم اشاره‌ای نشده باشد قاضی اجرای احکام کیفری رأساً دارای اختیار قانونی برای انتشار نمی‌باشد و لازم است در موارد اجبار بر انتشار حکم (مانند انتشار بر اساس ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی)، مراتب را به دادگاه صادرکننده حکم قطعی اعلام کند (صورتجلسه نشست قضایی دادگستری شهرستان الیگودرز، مورخ ۱۳۹۸/۸/۲۱).

اجرای علنی مجازات ممکن است تحت تأثیر رسانه‌ای شدن آن باشد، به‌طوری‌که در برخی موارد تحت تأثیر رسانه‌ها ممکن است اجرای مجازات، جنبه نمایشی به خود بگیرد؛ مانند اعدام در ملاعام. در واقع، اجرای علنی مجازات‌های سالب حیات در پرونده‌های امنیتی، قتل و تجاوز به عنف رسانه‌ای شده و معروف، سعی در نشان دادن قاطعیت حکومت و جلب اعتماد عمومی دارد و از دیگر سو به دنبال ایجاد رعب و وحشت با هدف بازدارندگی می‌باشد (قادر و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۱-۳۲).

همچنین رسانه‌ها ممکن است در مرحله اجرای حکم از جهات دیگر بر شیوه‌ی و میزان مجازات قابل اجرا تأثیرگذار باشند؛ به‌عنوان مثال در بسیاری موارد، تحت تأثیر رسانه‌ها و افکار عمومی، در مرحله اجرای حکم، برای برخی محکومان به

همکاری وزارت کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد و قوه قضاییه به‌منظور نظام‌مند نمودن ارائه اخبار و اطلاعات ناشی از جرم و پیشگیری از نقض حریم خصوصی، یکی دیگر از سازکارهایی است که می‌تواند حمایت نادرست رسانه‌ها از سیاست‌های جنایی امنیت‌مدار را محدود نماید.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: قسمت عمده مقاله توسط نویسنده نخست نگارش یافته است و نویسندگان دیگر به‌عنوان نویسنده همکار بوده‌اند.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد هرگونه تأمین مالی از سوی شخص یا اشخاص دولتی یا غیردولتی می‌باشد.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- آخوندی، محمود (۱۳۹۱). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ سوم، تهران: سمت.

- آسیایی، رؤیا (۱۳۹۵). «تبیین جامعه‌شناسانه بازتاب جرم در مطبوعات». *فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۱۳(۱): ۱۱۱-۱۳۰.

- امیدی، جلیل و عطوف، حسینعلی (۱۳۹۴). «اجرای علنی مجازات؛ توجیهات و تبعات». *فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۲(۴ و ۵): ۲۱۳-۲۳۶.

- بهادران، سارا و آقاسی، علیرضا (۱۳۹۹). «سیاست جنایی امنیت‌مدار از تئوری تا عمل». *فصلنامه مطالعات حقوق، دوره جدید* (۷): ۸۵-۹۴.

- توجهی، عبدالعلی و دهقانی، علی (۱۳۹۲). «در جدال امنیت‌گرایی و موازین دادرسی منصفانه». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۲(۳): ۷-۳۴.

سیاست جنایی امنیت‌مدار به‌عنوان یکی از انواع سیاست‌های دولت در برخورد با جرائم امروزه تقریباً در همه نظام‌های حقوقی قابل‌مشاهده است؛ به‌طوری‌که بیشتر دولت‌ها در راستای برخورد با برخی جرائم مهم به‌ویژه جرائم علیه امنیت ملی و جرائم سازمان‌یافته، رویکرد امنیت‌مدارانه دارند. این رویکرد که عمدتاً در قالب سیاست جنایی تقنینی و قضایی نمود می‌یابد در برخی موارد از سوی رسانه‌های جمعی مورد حمایت قرار می‌گیرد. با توجه به چالش‌ها و آثاری که این حمایت‌ها به‌ویژه از جهت ارتباط با حقوق شهروندان دارد، مقاله کنونی با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای در دو بخش مستقل به بررسی نقش و جایگاه رسانه‌های جمعی در راستای تحقق سیاست جنایی تقنینی و قضایی امنیت‌مدار پرداخته است و تأثیر آنها بر حقوق شهروندی را مورد توجه قرار داده است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد رسانه‌های جمعی می‌توانند در هر یک از مراحل تدوین و تصویب قوانین با رویکرد امنیت محور، تأثیرگذار باشند و بدین طریق از سیاست جنایی تقنینی حمایت کنند. علاوه بر این، رسانه‌های جمعی در برخی موارد با رسانه‌ای نمودن جرائم مهم و انعکاس دیدگاه‌های عموم در مورد این جرائم، در مراحل سه‌گانه تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و صدور حکم و اجرای مجازات، تأثیرگذار بوده و در حمایت از سیاست جنایی قضایی امنیت‌مدار ایفای نقش نمایند. همچنین، رسانه‌های جمعی در راستای تحقق سیاست جنایی تقنینی و قضایی امنیت‌مدار عمدتاً به‌صورت آگاهانه مستقیماً یا به‌طور غیرمستقیم تأثیر دارند و در برخی موارد محدود، بدون آنکه به‌طور هدفمند به‌دنبال حمایت یا تقویت سیاست جنایی امنیت‌مدار باشند، در راستای جذب حداکثری مخاطبان، به‌طور ناآگاهانه به حمایت از سیاست جنایی امنیت‌مدار می‌پردازند. با توجه به آثار نامطلوبی که رسانه‌ای شدن جرائم به‌دنبال دارد، پیشنهاد می‌شود با اصلاح قوانین و تصویب بخشنامه از سوی رئیس قوه قضاییه، رسانه‌ها برای انتشار اخبار مربوط به جرائم مکلف به مشورت با کارشناسان حقوقی مانند وکلای مورد تأیید قوه قضاییه باشند. این سازوکار می‌تواند تا حد زیادی از خبرهای سطحی و فاقد جنبه علمی که تنها به دنبال تهییج افکار عمومی است، بکاهد. علاوه بر این، تدوین سیاست‌های رسانه‌ای با

- مندنی، اسلام و آشوری، محمد (۱۳۹۷). «تحلیل سیاست جنایی امنیت‌مدار در پرتو اصول اخلاقی و موازین حقوق بشری». فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، ۹(۱): ۱۸۳-۲۰۴.

- مهرا، نسرین (۱۳۹۰). عدالت کیفری کودکان و نوجوانان. چاپ نخست، تهران: میزان.

- میرمحمدصادقی، حسین و رحمتی، علی (۱۳۹۴). «مصادیق عدول از اصول کلی حقوق کیفری در جرائم علیه امنیت». فصلنامه راهبرد، ۲۴(۷۶): ۵-۳۲.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۵). «سیاست جنایی سازمان ملل متحد». مجله تحقیقات حقوقی، ۱(۱۸): ۳۵۵-۲۸۷.

- یاراحمدی، حسین و نوروزی، فاطمه، (۱۴۰۱). «مطالعه‌ای پیرامون ابعاد تأثیرپذیری پرونده‌های کیفری از رسانه‌ای شدن اخبار و بازتاب آن بر رسیدگی قضایی». فصلنامه بین‌المللی قانون یار، ۶(۲۴): ۶۱۹-۶۴۸.

ب. منابع انگلیسی

- Annemarie, N (2021). "The role of media in promoting national security interests". *Bulletin of the Transylvania University of Brasov, Special Issue Series VII: Social Sciences*, 13(62) (1).

- Cusson, M (2015). Social Control. In J. D. Wright (Ed.), *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences* (2nd ed.). Elsevier.

- Elliot, J, et al. (2024). "The role of the media in security strategies; on the example of Bayelsa State, Nigeria". 6(1).

- Horpyniuk, O. P (2021). "Criminal and Legal Protection of National Security: Problems of Systematization of Crimes". 10(47).

- Levinson-Waldman, R (2024). *Principles for Social Media Use by Law Enforcement*. Brennan Center for Justice.

- Melo, S (2016, January 4). "After bloody year, Charlie Hebdo blames religion", *Politico Journal*.

- چقازردی، مصطفی (۱۳۹۷). «تأثیر رسانه‌ای شدن جرم بر قرارهای تأمین کیفری و تعیین مجازات». فصلنامه پژوهش‌های حقوقی قانون یار، ۱(۱): ۲۸۹-۳۲۲.

- دلماس‌مارتی، میری (۱۴۰۲). مدل‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، تهران: میزان.

- رزمان، علی (۱۳۹۶). «بررسی نقش رسانه‌ها در ارتکاب جرائم»، فصلنامه قانون یار، ۱(۱): ۱۱۹-۱۳۸.

- عزیزی، علیرضا و مهدوی‌ثابت، محمدعلی (۱۴۰۰). «اطلاع‌رسانی جریان دادرسی کیفری در ایران و انگلستان: آزادی یا محدودیت رسانه؛ با بررسی کیس تالیدومید». مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۹(۱۸): ۷-۳۰.

- غلامی، حسین (۱۳۹۳). اصل حداقل بودن حقوق جزا. چاپ اول، تهران: میزان.

- غلامی، نبی‌اله و معظمی، شهلا (۱۳۹۶). «رویکرد امنیت مدار به حقوق کیفری و رهیافت‌های آن در فرآیند دادرسی کیفری؛ با تأکید بر حقوق کیفری ایران، فرانسه و ایالات متحده آمریکا». مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۵(۱۰): ۴۱-۵۸.

- فروغی، فضل‌اله؛ صادقی، محمدهادی؛ اخوان کاظمی، بهرام و میرزایی، محمد (۱۳۹۷). «کرامت‌مداری، راهبردی تعادل‌بخش میان امنیت و آزادی». فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۵(۱): ۳۱-۵۲.

- قادر، سیروس؛ حاجی‌تبار، حسن و الله‌وردی میگوونی، فرهاد (۱۴۰۱). «تحلیل سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در قبال جرائم متأثر از رسانه». فصلنامه پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس، ۹(۲۴): ۲۴-۴۶.

- قناد، فاطمه و اکبری، مسعود (۱۳۹۶). «امنیت‌گرایی سیاست جنایی». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۵(۱۸): ۳۹-۶۷.

- قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۸۵). مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی. چاپ نخست، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- Sanchez, S (2019). *Media Coverage of Crimes*. In A. S. Burke et al. (Eds.), *Introduction to the American Criminal Justice System*, SOU-CCJ230.
- Stenson, K (2007). *The new politics of crime control*. new york: wilain publishing.
- UK Security Service Act 1989. (1989). <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/1989/5/contents>
- USA PATRIOT Act of 2001. (2001). Pub. L. No. 107-56. 115 Stat. 272.

ج. سایت‌های اینترنتی

- ۱- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، به نشانی
اینترنتی: <https://rc.majlis.ir>
- ۲- سامانه نشست‌های قضایی، به نشانی اینترنتی:
<https://neshast.eadl.ir/Home>